

«بسم الله الرحمن الرحيم»

پیامدهای نفاق در حکومت اسلامی

لیلا بوحمیدی^۱

چکیده:

نفاق رفتاری است ناشی از انگیزه‌های مادی و دنیوی که در چنین حالتی بشر به راستی و از درون به امری معتقد نیست بلکه از روی انگیزه‌های خاص تظاهر به اعتقاد می‌نماید. عوامل گوناگون منشأ نفاق و رفتار منافقانه است. از مهلک‌ترین رذیله‌های اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی خصوصاً در حوزه‌های سیاسی اعتقادی و اخلاقی است در منابع اسلامی غالباً در مباحث اخلاقی از آن سخن رفته و معادل با ریا گرفته شده است، در حالی که در قرآن کریم آیات مربوط به نفاق، غالباً ناظر به نفاق اعتقادی و سیاسی است که بر خلاف نوع اول ناشی از کفر و نشانگر آن است. جریان در صدر اسلام می‌تواند به عنوان مسئله روز جوامع اسلامی نیز مطرح باشد تا از شناخت ویژگی‌های این جریان در صدر اسلام برای مبارزه با روح نفاق و خطوط کلی منافقان در جوامع اسلامی امروز بهره‌گیرد در این نوشتار با استناد به آیات قرآن و منابع تاریخی و روایی و استفاده از کتب و مجلات معتبر علمی ضمن بررسی علل و عوامل پیدایش نفاق در جامعه به بیان این جریان در پرداخته ایم.

کلیدواژه: قرآن کریم، منافق، نفاق

سطح ۲ حوزه ی علمیه حضرت فاطمه‌الزهررا (سلام الله علیها)

www.lih569641@gmail.com

مقدمه:

یکی از مهمترین بیماری اخلاقی درعرصه اجتماعی صفت نفاق است به گونه ای که به طورپنهان درتمام زوایای جوامع انسانی ریشه دوانده و زندگی سالم و صلح آمیزبشر را بافته و آشوب همراه کرده است. این پدیده سابقه ای به درازای تاریخ بشریت دارد و در نهضت انبیاهمواره به صورت خطری جدی وجود داشته است در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز کم و بیش حوادث صدراسلام تکرار شده است توجه قرآن به مسئله نفاق و منافقان تا آنجاست که سوره مستقل را با نام و دربارہ آنان نازل فرموده است. در میان مشکلات و معضلات متعدّد این عصر، شکل روابط ناهنجار و فساد اخلاقی، یکی از مسائلی است که آرامش روانی افراد را با چالش مواجه ساخته است. شناسایی این جریان اعتقادی و بررسی عوامل موثر در شکل گیری آن در صدر اسلام گامی مهم در جهت شناخت دوست و دوست نمایان به شمار می آید که می تواند باز دودن غبار توهم یا ابهام از برخی چهره های معاصر بحث زمینه ای برای تجدید نظر در بسیاری از گرایش های فکری و باورهای مذهبی فراهم آورد. افزایش بصیرت سیاسی نه تنها باید به عنوان یک اصل بلکه به عنوان نیاز اساسی کشور در زمان حال و آینده نهادینه شود؛ آن آرمانی که تمامی افراد جامعه به طور روزمره خود را با آن می سنجد و بینش و بصیرت خود را تقویت، هوشیاری و آگاهی خود را حفظ می کنند و اقدامات و اهداف و ابتکارات خود را با آن مطابقت می دهند باید از هر گونه غفلت در برابر اختلافات، غفلت در مقابل خودخواهی به معنای وسیع کلمه، غفلت از خدمت به مردم از مبانی و موجبات اقتدار ملی و غفلت از دشمن و توطئه هایش بپرهیزیم تاریخ به خوبی گویای این حقیقت است که عصر استیلای بنی امیه بر بلاد اسلامی، زحمات رسول خدا (صل الله علیه و آل وسلم) و تلاش مجاهدان صدر اسلام را در نشر آیین خدا به تاراج داد و ارزش های اسلامی را زیر پا گذاشت؛ بدعت و فسق و فجور رایج شد و از اسلام فقط نام آن ماند حماسه عاشورا بزرگترین افشاکننده ماهیت اصلی جریان نفاق بود که گستره و عمق کیفیت وقوع آن توانست اساس حکومت نفاق را متزلزل و بنیاد آن را نابود سازد. مادر این نوشتار پس از پژوهش در مفهوم لغوی و اصطلاحی واژه نفاق و ارائه دلیل شکل گیری این پدیده برخی پیامدهای نفاق در حکومت اسلامی می پردازیم. در این مقاله به بررسی سوالاتی در زمینه ی ویژگی نفاق چیست؟ و پیامدهای آن در حکومت اسلامی می پردازیم. در دیدگاه نخست پیدایش نفاق محدود به مدینه می شود، اما در دیدگاه دوم وقوع آن در مکه پیش از هجرت نیز قابل فرض و اثبات می گردد. تدبیر آیات مربوط به منافقان موید دیدگاه اخیر است. وجود سازمان فعال و جریانی پنهان و خطرناک در میان جامعه اسلامی پیامدهای نفاق را به مومنان هشدار می دهد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی نفاق

هرگونه دوگانگی ظاهر و باطن را در بر می گیرد، مصداق بارز آن، «نفاق عقیدتی» است، که آیات «منافقون» معمولاً ناظر به آن است و آن مربوط به کسانی است که در ظاهر اظهار ایمان می کنند، ولی در دل شرک و کفر، پنهان می دارند. نفاق در کاربرد اسلامی آن به معنای پنهان کردن کفر و تظاهر به اسلام است که برای اولین بار به این معنا در قرآن کریم و احادیث به کار برده شده است اما ریشه این واژه که در کتب لغت در غیر این معنای اسلامی به کار برده شده متعدد است از جمله: به معنای رونق یافتن معامله، کثرت مشتری، رایج شدن بازار، شیوع مرگ و موت^۱ به معنای فانی شدن و به سر رسیدن^۲ به معنای کانال و تونل زیرزمینی که راه خروجی به یک مکان دیگر دارد^۳ و به معنای سوراخ مخفی لانه موش صحرایی از میان این ریشه ها دو تای آن به معنای واژه نفاق نزدیک تر به نظر می رسد؛ یکی اینکه نفاق از نفق به معنی نقب و کانال زیر زمینی گرفته شده باشد، دیگری اینکه از کلمه نافقاء به معنای یکی از سوراخ های لانه موش صحرایی گرفته شده باشد. در تعاریف اصطلاحی نفاق نیز گفته شده است که: نفاق تظاهر به ایمان است در حالی که در باطن ایمان نداشته باشد^۴ و یا اینکه گفته اند: نفاق در برابر ایمان و به معنای عدم اعتقاد به حق است.^۵ همچنین گفته اند: نفاق گفتن شهادتین و رعایت شئون ظاهری اسلام است در حالی که در باطن اعتقادی به اسلام نداشته باشد.^۶ می توان گفت نفاق در اصطلاح آن است که شخص منافق برای فریب دادن مؤمنان به زبان اظهار اسلام و ایمان نماید در حالی که در باطن به هیچ یک از ارکان ایمان و یا برخی از ارکان آن اعتقادی نداشته و به آنها کفر بورزد.

۱. فراهیدی/ خلیل بن احمد/ العین/ ج ۳/ ص ۱۸۲۵

۲. اصفهانی/ راغب/ مفردات الفاظ قرآن / ج ۳/ ص ۳۸۷

۳. ابن منظور/ محمد/ لسان العرب/ ج ۱۴/ ص ۲۳۲

۴. ابن فارس / احمد/ معجم مقاییس اللغة/ ج ۵/ ص ۴۵۴ و ۴۵۵

۵. آیت الله سبحانی/ جعفر/ منشور جاوید/ ج ۴/ ص ۹

۱-۲- معنای لغوی واصطلاحی منافق

منافق در اصطلاح فقه نظامی به کسانی گفته می‌شود که به جنگ با دولت اسلام برمی‌خیزند، و کافر نیستند منافق در لغت یعنی کسی که کفر را در خود پنهان کرده و به ایمان تظاهر می‌کند، کسی که دشمن را پنهان کرده و به دوستی تظاهر می‌کند، و هر کس که اظهار کند چیزی را که برخلاف آن معتقد است. در اصطلاح به کسانی گفته می‌شود که به جنگ با دولت اسلام برمی‌خیزند و کافر نیستند^۱

۱-۳- قرآن کریم

قرآن، به معنای «جمع و گردآوری» در آیه: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ»^۲ واژه ی «جمعه» و «قرآن» را مترادف و هم معنا می‌دانند.^۳ در وجه نام گذاری آن به «قرآن» گفته اند: چون قرآن جامع فواید کتاب هایی است که از سوی خدا نازل گشته (تورات، انجیل، زبور و...)، بلکه جامع فواید همه علوم می باشد؛ قرآن، به معنای «خواندن»^۴ اگر این معنا را بپذیریم، آیه ی: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ»^۵ به این معناست: «همانا پیوسته کردن اجزای آن به یکدیگر و خواندن آن بر تو، به عهده ی ماست»^۶ طبق این معنا، کتاب آسمانی مسلمانان به اعتبار آن که «خواندنی» است، «قرآن» نام گرفته است. قرآن در اصطلاح: برای قرآن، تعریف های زیادی ارائه شده که هر کدام از این تعریف ها، ویژگی خاص خودش را دارد؛ از جمله: (قرآن عبارت است از کلام الهی که خداوند آن را به تدریج بر حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) - خاتم پیامبران - به زبان عربی و لهجه ی قریش، نازل کرده است... آیه ای از آن، قرآن گفته می شود، حتی بخشی از یک آیه نیز قرآن است.

۱. مجمع اللغة العربیة بالقاهرة، المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۹۴۲، دار الدعوة

۲. قیامت، ۱۷. «چرا که جمع کردن و خواندن آن، به عهده ی ماست

۳. راغب اصفهانی، مفردات، ماده قراء؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه ۱۷، سوره ی قیامت

۴. قیامت/ ۱۷

۵. «محمد قریب، فرهنگ لغات القرآن، ماده «قراء»

۶. علامه عسگری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۲۶۱

۲- نفاق و دورویی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلٍ وَسَلَّمَ):

«يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ كَانَ ذَاوَجْهَيْنِ وَلِسَانَيْنِ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ ذُو لِسَانَيْنِ فِي النَّارِ»^۱

انسان به خاطر غریزه حبّ نفس و طبیعت خود دوستی، همواره مایل است تا در قلوب دیگران نفوذ کرده و نزد آنها قدر و منزلتی داشته باشد و این تا هنگامی که منشأ رفتار و گفتار بدی نشود، نه مورد نکوهش و مذمت، و نه برخلاف مقتضای کمال و انسانیت است؛ ولی اگر به خاطر عواملی مانند احساس حقارت درونی و فقدان جایگاه و موقعیت اجتماعی، خود کم‌بینی و حسادت و ... از مسیر طبیعی خود خارج شود و عاملی برای رفتار و گفتار نکوهیده‌ای همچون ربا و تزویر، دروغ، نفاق و دورویی، شود؛ گرایشی ضدّ اخلاقی و عملی زشت و ناپسند به‌شمار می‌آید^۲ نفاق و دورویی از جمله صفات و عادت‌های بسیار زشتی است که در قرآن و روایات مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است. خداوند در قرآن کریم درباره رفتار و سیره انسان‌های منافق و دو رو می‌فرماید:

«وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُنَ»^۳

انسان نباید در زندگی خود با رفتار منافقانه با مردم معاشرت داشته باشد و دورو و دوزبان باشد؛ به این معنی که در حضور کسی از او تعریف کند و اظهار دوستی و خیرخواهی کند و در غیابش برخلاف آن عمل کند و زبان به‌مذمت او بگشاید و در صدد آزار و اذیت او برآید^۴

روزی لقمان حکیم از مولایش دستور گرفت، تا بهترین غذاها را آماده کند. لقمان زبان گوسفندی را پخت و آن را نزد مولایش گذاشت. سپس مأمور شد بدترین غذاها را آماده کند؛ باز زبان گوسفندی را

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۹۰

۲. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ صفات، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۶۵۶

۳. بقره/۱۴

۴. نراقی، ملا احمد؛ معراج السعاده، تهران، یاسر و دهقان، ۱۳۶۶، ص ۴۹۱

۵-۳- ظهور جنجال و غوغا سازی در جامعه

جنجال و غوغاسازی، رهاورد دیگر جریان شوم نفاق در جامعه دینی است. جریان نفاق جوّ جامعه را به سمت التهاب، جنجال و هیاهو می‌کشاند؛ در این وضعیت امکان تصمیم‌گیری و اندیشیدن برای افراد جامعه از دست می‌رود و فضای کشور در غبار التهاب فرو می‌رود و چشم‌ها از حقیقت و بصیرت کور می‌شود در این گیر و دار، جریان نفاق با جنجال آفرینی مانع از روشن شدن حقایق می‌گردد و با ایجاد تشنج و استفاده از ابزارهای نامشروع سخنرانی‌های آتشین سعی می‌کنند تا احساسات و هیجانات زودگذر را در جامعه ایجاد نمایند. حضرت علی (علیه سلام) درباره شیوه جنجال آفرینی و غوغاسازی ناکشین در فتنه جمل می‌فرمایند: «و قد ارفعوا و ابرقوا» «اینان رعد و برق بر پا کردند»^۱ ایجاد غوغاسازی و التهاب بر سرقت عثمان از سوی ناکشین و قاسطین و تحریک احساسات مردم از طریق سخنرانی‌های آتشین و به نمایش گذاردن پیراهن خونین وی و سپس داعیه خونخواهی عثمان از شیوه‌های جریان نفاق بود معاویه هم از این موضوع حربه سیاسی ساخت و بر بالای منبر رفت و شروع به اشک تمساح ریختن کرد که ایها الناس خلیفه مظلوم پیامبر را کشتند... این آیه را می‌خواند: «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً»^۲: «کسی که مظلوم کشته شود ما برای ولی او حق قصاص قرار دادیم اما نباید در کشتار زیاده‌روی کند و همانا او پیروز است». حال ای مردم شما بگویید ما در مقابل این جنایت بزرگ که بر اسلام وارد شد سکوت کنیم؟ مردم همه گفتند نه، نه، آن وقت مردم را جمع کرد و به جنگ با علی (علیه سلام) آمد پس معاویه از خویش نیرویی نداشت بلکه از نیروی پیامبر (صل الله علیه و اله) استفاده کرد؛ از نیروی قرآن و اسلام استفاده کرد و به جنگ با علی رفت. امام علی (علیه سلام) می‌فرماید: «ولکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمر جان»: «و لیکن از حق قسمتی و از باطل قسمتی گرفته می‌شود و مخلوط می‌شوند»؛ «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه وینجوا الذین سبقت لهم من الله الحسنی»^۳ در اینجا است که شیطان بر دوستان خودش مسلط می‌شود؛ یعنی ابزار شیطان هم حق است، حق مخلوط شده با باطل.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹

۲. سوره مبارکه اسراء، آیه ۳۲

۳. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۵۰، ص ۱۴۷

۶. فتنه آفرینی

از دیگر رهاورد های شوم نفاق ایجاد بحران امنیتی اجتماعی فتنه آفرینی در جامعه دینی است. حضرت امیرالمومنین (علیه سلام) درباره فتنه آفرینی منافقین در خطبه ای می فرمایند: «رنگ به رنگ می شوند؛ آشوب های گوناگون به پا می کنند؛ به هر تکیه گاهی برای ضربه زدن به شما تکیه می کنند و به هر کمین گاهی برای نقشه کشیدن علیه شما پناه می برند؛ عمل آنان معیوب و گفته های آنها جالب است. کار آنان دردی کشنده است دشمن نعمت و آسایشند؛ به معصیت تأکید دارند و ناامید کننده هستند. البته فتنه ها به صدر اسلام اختصاص ندارد، در طی تاریخ اسلام در گوشه و کنار فتنه های فراوانی رخ داد و اکنون نیز جامعه اسلامی از فتنه هایی که به دلیل انحراف و بدعت در دین پدید می آید مصون نیست. امیرالمؤمنین (علیه سلام) در یکی از خطبه های خویش درباره برخی عوامل فتنه می فرماید: «همانا، آغاز پیدایش فتنه ها پیروی از هوای نفسانی است و نیز بدعت هایی که گذاشته می شود؛ بدعت هایی برخلاف کتاب خدا؛ آن گاه کسانی، کسان دیگر را در اموری که مخالف دین خداست یاری می کنند، اگر باطل با حق نمی آمیخت بر جویندگان حق پنهان نمی ماند و اگر حق به باطل پوشیده نمی گشت زبان معاندان از طعن بریده می شد ولی همواره پاره ای از حق و پاره ای از باطل در هم می آمیزند؛ در چنین حالی شیطان بر دوستان خود مستولی می شود. تنها کسانی رهایی می یابند که الطاف الهی شامل حالشان شده باشد»

امام رضا (علیه سلام) درباره فتنه انگیزی جریان نفاق می فرماید: برخی از کسانی که مودّت و دوستی ما اهل بیت (علیه سلام) را دستاویز ساخته اند، زبان فتنه انگیزشان بر شیعیان ما از دجال بیشتر است. از حضرت پرسیدند ای فرزند رسول خدا (صل الله علیه) چرا فتنه شان از دجال بیشتر است ایشان فرمودند زیرا با دشمنان مهر و مودّت می ورزند و نسبت به دوستان دشمنی و عداوت می نمایند؛ هرگاه چنین شد، حق و باطل به هم می آمیزد و حقیقت مشتبه شد در نتیجه شأن مؤمن از منافق باز شناخته نمی شود»

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۰

۲. سایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱، ح ۲۱۲۸۹

۶- بر حذر بودن از منافق

در خطبه امام علی (علیه سلام) منافق سخن آمده که از منافق باید بر حذر باشیم شرح عبارت به این گونه است:

بندگان خدا شمارا به تقوا فرا می خوانم و نسبت به منافقان هشدار میدهم که آنان گمراهند و گمراکننده خطا کارند و به خطاکاری واداردهنده. پی در پی رنگ می پذیرند و راهی رانپیموده راه دیگری می گیرند. هروسيلتی را برای گمراهیتان می گزینند و از هر سو بر راهتان می شینند. درونشان بیمار است و برونشان پاک پوشیده می روند چون خزنده ای زیانمند و زهرناک و صفشان داروست و گفتارشان بهبود جان کرداشان درد بی درمان. رشک برای راحتی دیگرانند و افزاینده ی بلا و نومید کننده امیدواران. در هر را یکی رابه خاک هلاک افکنده اند و به هردلی راه برده اند و بر هر اندوهی اشک ریخته اند و ثنای هم رابه سلف فروخته اند و چشم درپاداش یک دیگر دوخته. اگر بخواهند بستنند و اگر ملامت کنند پرده دری کنند و اگر داوری کنند اسراف و رزند برای هر حقی باطلی دارند و برای هر راستی مایلی و برای هر زنده ای قاتلی و برای هر درر کلیدی گشاینده و برای هر شب چراغ تاریکی زداینده به هنگام طمع خود را نومید نمایند تا بازار خویش بیاراند و بر بهای کالا شان بیفرایند. می گویند و برخلاف حق تقریری کنند و می ستایند و تزویری کنند را باطل را آسان نمایند در پیچ و خمهایش سرگردان یاران شیطانند و زبانه های آتش سوزان: ((آنان پیروان شیطانند و بدانید که پیروان شیطان زیانکارانند.))

نتیجه

پیامدهای نفاق در حکومت اسلامی با فساد ملازم و همراه است، و اولین اثر این فساد، فساد در ایمان از سوی دیگر چون منافقان شخص منافق است که موجب مفسده‌انگیزی و فسادهای بعدی نیز می‌گردد در انجام کارهایشان با برنامه‌ریزی و به صورت گروهی (حزب شیطان) عمل می‌کنند، تأثیر اعمال خلاف و زشت آنان نیز بسیار عمیق و موجب فساد اجتماعی می‌گردد. جریان‌ات تاریخی همین معنا را تصدیق می‌کند که مردانی در امت اسلامی آمدند و بر دوش این امت سوار شده (می‌شوند)، در امر دین و دنیا تصرفاتی کردند که نتیجه مستقیم آن برای دین و انحطاط برای مسلمین و اختلاف در امت بود و کار را به جایی کشاندند که بازیچه دست هر بازیگر شدند و انسانیت امت، لقمه هر چپاول‌گر گردید و نتیجه این خودکامگی‌ها فساد زمین شد، اولاً به خاطرنابود شدن دین، وثانیاً به خاطر هلاکت انسانیت در روابط اجتماعی مؤمنان پیوسته با «امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها و زشتی‌ها» در صدد اصلاح جامعه و پیراستن آن از آلودگی و فساد هستند، لکن منافقان در مقابل آنان بوده و پیوسته امر به بدی‌ها و زشتی‌ها و نهی از خوبی‌ها می‌کنند.

منابع

۱. ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر أدب الحوزه، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۰، ص ۳۵۸
۲. امام علی (ع) عقلا نیت و حکومت - علی اصغر عین القضاء - انتشارات پرتو خورشید ۱۳۸۴
۳. جذبه و دافعه امام علی (ع) ، مرتضی مطهری انتشارات اسلامی. جمال کعبه - شرحی بر تاریخ اسلام به روایت امام
۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، مترجم: سید باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی، هفتم، ۸۲ ش
۵. عبدالکریم نیری بروجردی، قسمت هایی از اسلام شناسی تاریخی، ج ۱، ص ۶۹
۶. غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸، ج ۲،
۷. محمدی اشتها ردی، محمد؛ پنندهای جاویدان، تهران، نبوی، ۱۳۸۶، چاپ سوم، ص ۶۶
۸. طهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، صدرا، بی جا، تهران، ۶۸ ش
۹. مطهری، مرتضی، پانزده گفتار، تهران، صدرا، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴-۱۲۶
۱۰. واقعی، محمد مهدی، جامع العاده، دانشگاه دینی نجف، دوم، ۱۳۸۳ ق